

Analyzing the Functions of Cyberspace in Developing Sustainable International Relations¹

Mahdi Haji Ahmadi², Nazanin Malekian³

Received: 24 April 2025, Accepted: 01 June 2025

Doi: 10.22034/rcc.2025.2058067.1208

Abstract

Background and Objective: In recent decades, cyberspace has emerged as a transformative agent in the realm of international relations, playing a crucial role in shaping and expanding global interactions and cooperation. The rapid evolution of digital technologies and the increasing interconnectedness of societies have positioned cyberspace as a key component in redefining diplomatic, political, economic, and social dynamics across national boundaries. This research aims to examine the functional contributions of cyberspace to the sustainable development of international relations, particularly in light of the evolving characteristics and requirements of the networked society.

Methodology: This study adopts a qualitative research design and is categorized as applied in terms of its purpose. It has been carried out through an inductive survey-based approach, with the thematic domain centered on the various functions and roles of cyberspace within the sphere of international relations. The methodology employed is grounded theory, which is particularly suitable for exploring complex and emerging phenomena. The statistical population comprises specialists and scholars with expertise in international relations, specifically those based in Tehran. Due to the inherent nature of grounded theory and the dispersed and largely anonymous nature of the target population, purposive snowball sampling was employed. The sampling process continued until theoretical saturation was achieved, which occurred after conducting 23 in-depth interviews. The data were gathered using comprehensive, semi-structured interviews and then analyzed through systematic coding procedures.

Findings: The research findings demonstrate that cyberspace holds significant potential in strengthening digital diplomacy, curbing the dissemination of false or misleading information, facilitating the peaceful resolution of international crises, enhancing multilateral cooperation, and promoting greater transparency in global relations. Nevertheless, specific challenges—such as cultural differences, cyber threats, and unequal access to digital technologies—may act as intervening variables that hinder the optimal and equitable utilization of cyberspace in the international arena.

Keywords: Virtual space, International relations, Sustainable development, Social networks, Network society

1. This article is derived from a doctoral Thesis focused on the "Strategic-Operational Model of Virtual Space Management in Iran, with an Emphasis on Sustainable National Security and International Relations." The research is being conducted under the supervision of Dr. Nazanin Malakian by Mahdi Haj Ahmad at the Communications Sciences Department of the Central Tehran Branch of Azad University.

2. Ph.D. Student in Communication Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: mahdi.hajiahmadi1282@iau.ir

 0000-0003-3418-0540

3. Associate Professor of Communication Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: n.malekiyan@iauctb.ac.ir

 0000-0001-7957-2674

توسعه روابط بین الملل با تأکید بر کارکردهای فضای مجازی و جامعه شبکه‌ای^۱

مهدی حاجی احمدی^۲، نازنین ملکیان^۳

دریافت: ۰۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، پذیرش: ۱۱ خرداد ۱۴۰۴

DOI: 10.22034/rcc.2025.2058067.1208

چکیده

موضوع و هدف: فضای مجازی به عنوان یک عامل تحول‌ساز در روابط بین‌الملل، در دهه‌های اخیر نقشی کلیدی در توسعه تعاملات و همکاری‌های جهانی ایفا کرده است. این تحقیق با هدف بررسی کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل و با توجه به مقتضیات جامعه شبکه‌ای، صورت گرفته است. روش: پژوهش حاضر از حیث روش، کیفی و از نظر هدف کاربردی است، که در یک فرایند پیمایشی استقرایی انجام شده و قلمرو موضوعی آن در حوزه کارکردها فضای مجازی در روابط بین‌الملل بود. روش پژوهش، با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، متخصصین و صاحب‌نظران مرتبط با حوزه روابط بین‌الملل در شهر تهران بودند که جهت انتخاب نمونه‌ها با توجه به ماهیت روش داده بنیاد و پراکنده و ناشناس بودن جامعه آماری، از نمونه‌گیری هدفمند گلوله برفی با معیار اشباع نظری استفاده شد، که اشباع پس ۲۳ مصاحبه حاصل گردید. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق گردآوری شده و سپس از طریق کدگذاری تحلیل شده‌اند. نتایج: نتایج نشان می‌دهد؛ فضای مجازی می‌تواند در تقویت دیپلماسی دیجیتال، کاهش انتشار اخبار جعلی، تسهیل حل بحران‌ها، توسعه همکاری‌های چندجانبه و افزایش شفافیت روابط بین‌الملل نقش داشته باشد. از سوی دیگر، عواملی همچون تفاوت‌های فرهنگی، تهدیدات سایبری و محدودیت‌های دسترسی به فناوری می‌توانند به عنوان موانع مداخله‌گر در استفاده بهینه از فضای مجازی عمل کنند.

کلیدواژه‌ها: فضای مجازی، روابط بین‌الملل، توسعه پایدار، شبکه‌های اجتماعی، جامعه شبکه‌ای

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با موضوع «الگوی راهبردی-عملیاتی مدیریت فضای مجازی در ایران با تأکید بر توسعه پایدار امنیت ملی و روابط بین‌المللی» می‌باشد که در گروه علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، به راهنمایی دکتر نازنین ملکیان و توسط مهدی حاجی احمدی در حال انجام است.

۲. دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Email: mahdi.hajiahmadi1282@iau.ir

0000-0003-3418-0540

۳. دانشیار گروه علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: n.malekiyan@iauctb.ac.ir

0000-0001-7957-2674

مقدمه و بیان مسئله

اینکه جایگزین اصول اساسی مانند آنارشی یا توزیع قدرت شود. به عنوان مثال، نظریه‌های کلاسیک مانند آنارشی و توزیع قدرت مادی همچنان معتبرند، اما کلو^۱ (۲۰۱۷)؛ (۲۰۲۲) و کریپز و اشنايدر^۲ (۲۰۱۹) نشان داده‌اند که فضای سایبری می‌تواند این ساختارها را تغییر داده و عدم قطعیت را در سیاست بین‌الملل افزایش دهد. برای نمونه، گسترش اطلاعات نادرست در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند اعتماد بین دولت‌ها را تضعیف کند، در حالی که پلتفرم‌های دیجیتال امکان همکاری‌های فرامرزی را تسهیل می‌کنند.

دو چالش اصلی در پژوهش‌های سایبری روابط بین‌الملل وجود دارد: اول، عدم یکپارچگی کافی میان پژوهش‌های این حوزه و نظریه‌های روابط بین‌الملل؛ دوم، نبود بحث‌های منسجم دربارهٔ ماهیت فضای سایبری و تأثیرات علی آن. اسمیتز^۳ (۲۰۲۲) و ماشامیر^۴ (۲۰۲۳) پیشنهاد می‌کنند که با در نظر گرفتن فضای سایبری به عنوان یک تغییردهنده ساختاری، می‌توان پیامدهای گسترده آن را بر سیاست بین‌الملل با دقت بیشتری تحلیل کرد. این رویکرد، محور نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد که فضای مجازی را به عنوان ابزاری برای تقویت روابط بین‌الملل در بستر جامعه شبکه‌ای بررسی می‌کند. این رویکرد همچنین بر این نکته تأکید دارد که باید فضای مجازی را نه به صورت جداگانه، بلکه در پیوند با سایر ابزارهای دیپلماسی و توانمندی‌های نظامی مورد بررسی قرار داد (لیبکی^۱، ۱۳۸۶؛ لیندزی^۱، ۱۳۹۹).

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که در بستر جامعه شبکه‌ای، فضای مجازی به عنوان ابزاری نیرومند، توانایی ایفای نقش در حوزه‌های گوناگونی همچون دیپلماسی سایبری، مدیریت بحران‌های بین‌المللی، تجارت الکترونیک جهانی و حل و فصل مناقشات بین‌المللی را داراست (نای^۱، ۱۴۰۲: ۶۷). این پژوهش به‌طور خاص بر نقش فضای مجازی در تقویت اعتمادسازی و همکاری‌های بین‌المللی تمرکز دارد، به گونه‌ای که بتواند به توسعه پایدار روابط بین‌الملل کمک کند. با این حال، این فضا با چالش‌ها و تهدیدهایی نیز همراه است؛ از جمله حملات سایبری، گسترش اطلاعات نادرست، ایجاد اختلال در امنیت ملی، و بهره‌گیری از هوش مصنوعی در عملیات ضدراهبردی (کلو و آرکیلا^۳، ۱۴۰۲: ۴۵). این چالش‌ها ضرورت سیاست‌گذاری دقیق برای بهره‌برداری از فرصت‌های فضای مجازی را برجسته می‌کنند.

فضای مجازی که نتیجه نبوغ انسان است، به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره تبدیل شده است. این فضا نه تنها شیوه‌های تعاملات اجتماعی را دگرگون کرده، بلکه به یکی از عوامل کلیدی در شکل‌دهی روابط بین‌الملل بدل شده است. تا چندی پیش، این حوزه تعاملات مجازی، بیشتر به عنوان مسئله‌ای حاشیه‌ای و فاقد چالش جدی در عرصه سیاست تلقی می‌شد. اما در حال حاضر، فضای سایبری و کاربردهای آن به یکی از موضوعات کلیدی سیاست بین‌الملل بدل شده است. این پژوهش با تمرکز بر کارکردهای فضای مجازی در بستر جامعه شبکه‌ای، به بررسی چگونگی استفاده از این ظرفیت‌ها برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی، اعتمادسازی و توسعه پایدار روابط بین‌الملل می‌پردازد. امروزه درمی‌یابیم که توانمندی‌های سایبری، نه تنها یک مزیت به شمار می‌آیند، بلکه می‌توانند منبعی از آسیب‌پذیری نیز باشند؛ به گونه‌ای که توان ایجاد تهدیداتی جدی برای امنیت ملی را داشته و نظم سنتی و شناخته‌شده جهانی را دستخوش تغییر کنند (Choucri, 2013).

برای مثال، شبکه‌های اجتماعی امکان دیپلماسی عمومی و ارتباط مستقیم دولت‌ها با شهروندان سایر کشورها را فراهم کرده‌اند، در حالی که حملات سایبری مانند استاکس‌نت تهدیدات این فضا را نشان می‌دهند. یکی از مسائل کلیدی این است که آیا فضای سایبری به عنوان ابزاری برای توسعه روابط بین‌الملل عمل می‌کند یا صرفاً بستری برای دیپلماسی و جنگ است؟ این پرسش اساسی، محور این پژوهش است.

برخی پژوهشگران مانند دون کالتی^۱ (۲۰۲۰) و گارتزکه و لیندسی^۲ (۲۰۲۴) بر این باورند که فضای سایبری انقلابی در بازدارندگی و جنگ ایجاد کرده است، در حالی که برخی دیگر مانند برانتلی^۳ (۲۰۱۸) و فیشرلکر^۴ و همکاران (۲۰۲۲) بر محدودیت‌های آن تأکید دارند. فولن و میاور^۵ (۲۰۲۴) استدلال می‌کنند که بهترین راه درک تأثیر فضای سایبری، مفهوم‌پردازی آن به عنوان یک «اصلاح‌کننده ساختاری» در روابط بین‌الملل است. این مفهوم نشان می‌دهد که فضای سایبری با تغییر قواعد تعاملات بین‌المللی، از جمله دیپلماسی و مدیریت بحران، به تقویت یا تضعیف ساختارهای سنتی قدرت کمک می‌کند، بدون

درخصوص تأثیر فناوری‌های دیجیتال و فضای مجازی بر روابط بین‌الملل انجام گرفته، اما برخی ابعاد مهم این حوزه همچنان مغفول مانده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر این شکاف‌ها، به دنبال ارائه چارچوبی منسجم برای تحلیل نقش فضای مجازی در توسعه روابط بین‌الملل است.

اهداف پژوهش

این مطالعه تلاش دارد با تمرکز بر این خلأها، تصویری جامع‌تر از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های فضای مجازی در شکل‌دهی به توسعه پایدار روابط بین‌المللی ارائه دهد. براین اساس، اهدافی ذیل برای این پژوهش قابل انتظار است: - تحلیل نقش فضای مجازی در تقویت همکاری‌های جهانی؛

- واکاوی چالش‌های موجود در بهره‌گیری از آن برای مدیریت مناسبات بین‌المللی؛
- بررسی ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای برای حل مناقشات بین‌المللی.

سؤالات پژوهش

- فضای مجازی در تقویت همکاری‌های بین‌المللی چه نقش و جایگاهی دارد؟
- چالش‌های بهره‌گیری از فضای مجازی برای مدیریت مناسبات بین‌المللی کدامند؟
- جامعه شبکه‌ای حاوی چه ظرفیت‌هایی برای حل مناقشات بین‌المللی است؟

مبانی نظری

در عصر حاضر، تحولات فناوری و گسترش فضای مجازی نقشی کلیدی در دگرگونی الگوهای روابط بین‌المللی ایفا کرده‌اند. این تحولات، مرزهای جغرافیایی را فراتر برده و ساختارهای سنتی تعاملات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بازتعریف کرده‌اند. برای درک عمیق‌تر این پدیده‌ها، استفاده از چارچوب‌های نظری ضروری است. در این بخش، به بررسی سه نظریه اصلی شامل جامعه اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای، فشرده‌سازی زمان و فضا و دیپلماسی رسانه‌ای پرداخته می‌شود. این نظریات، با تأکید بر نقش فناوری‌های دیجیتال، فضای مجازی و رسانه‌های نوین، به روشن‌سازی جنبه‌های مختلف تحولات روابط بین‌الملل کمک می‌کنند.

گسترش دسترسی به فضای سایبری از همین حالا تأثیرات عمیقی بر نظام بین‌المللی مبتنی بر اصول حاکمیت و ستفالی گذاشته است. چوکری (۲۰۱۳) استدلال می‌کند که شکل‌گیری فضای سایبری چالش‌های جدیدی را برای علوم اجتماعی به وجود آورده که هنوز به‌طور کامل درک نشده‌اند و شاید حتی برخی از اساسی‌ترین مفروضات آن را زیر سؤال ببرند. بااین‌حال، پژوهش‌های موجود کمتر به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های فضای مجازی برای تقویت فرایندهای کلیدی روابط بین‌الملل، مانند اعتمادسازی و همکاری‌های بین‌المللی، استفاده کرد. فضای مجازی با فراهم کردن فرصت‌های نوین برای تعاملات فرامرزی، در چارچوب جامعه شبکه‌ای به عنوان یکی از عوامل کلیدی تحقق توسعه پایدار در عرصه روابط بین‌الملل شناخته می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که بهره‌گیری از این فضا می‌تواند به تقویت همکاری‌های بین‌المللی، تسهیل تجارت الکترونیک، و حتی حل و فصل مناقشات جهانی کمک شایانی کند (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۹۹: ۱۸). درعین‌حال، چالش‌هایی نظیر امنیت سایبری، مدیریت ریسک‌های مرتبط با فناوری اطلاعات، و پیامدهای اجتماعی ناشی از گسترش فضای مجازی، نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و آینده‌نگر هستند.

در سال‌های اخیر، فضای مجازی در قالب جامعه شبکه‌ای، نه تنها به بستری برای ارتباطات دیپلماتیک بدل شده، بلکه به ابزاری مؤثر برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های جهانی، گسترش دیپلماسی عمومی و تسهیل همکاری‌های بین‌المللی نیز تبدیل گشته است. برای مثال، توثیق‌های دیپلماتیک مقامات کشورها نمونه‌ای از چگونگی استفاده از فضای مجازی برای شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی است. بااین‌حال، چالش‌هایی همچون امنیت سایبری، سوءاستفاده از داده‌ها، جنگ‌های اطلاعاتی و نابرابری دیجیتال همچنان از جمله موانع اصلی در مسیر تحقق توسعه پایدار در روابط بین‌الملل به شمار می‌آیند.

بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است: چگونه می‌توان با بهره‌گیری از کارکردهای فضای مجازی در بستر جامعه شبکه‌ای، روابط بین‌الملل را در راستای اعتمادسازی، همکاری‌های بین‌المللی و توسعه پایدار تقویت کرد؟ با وجود آنکه تحقیقات متعددی

است که به تحول در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منجر می‌شود (بل، ۱۳۶۰: ۲۱۱). این دیدگاه، بستر نظری مهمی برای درک تحولات مرتبط با شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای و تأثیرات آن بر روابط بین‌الملل فراهم می‌آورد.

مانوئل کاستلز^{۱۷}، از نظریه‌پردازان برجسته حوزه جامعه اطلاعاتی، در کتاب مشهور خود با عنوان شهر اطلاعاتی تأکید می‌کند که گسترش شبکه‌های فناوری اطلاعات در سطح جهانی، موجب افزایش اهمیت جریان‌های اطلاعاتی در ساختاردهی به سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی شده است. او بر این باور است که در بستر جامعه شبکه‌ای، اهمیت موقعیت‌های جغرافیایی به تدریج کاهش یافته و اولویت با جریان داده‌ها و اطلاعات است که در مقیاسی فراملی، پیوندهای نوینی را میان بازیگران اجتماعی برقرار می‌سازند (کاستلز، ۱۳۷۶).

به اعتقاد مانوئل کاستلز، جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است. این سه فرایند عبارت‌اند از: ۱- انقلاب تکنولوژی اطلاعات؛ ۲- بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری و تجدید ساختار متعاقب آنها؛ و ۳- شکوفایی جنبش‌های اجتماعی فرهنگی، همچون آزادی‌خواهی، حقوق بشر، فمینیسم و طرفداری از محیط‌زیست. تعامل میان این فرایندها و واکنش‌هایی که به آن دامن زدند، یک ساختار نوین اجتماعی مسلط، یعنی جامعه شبکه‌ای؛ یک اقتصاد نوین، یعنی اقتصاد اطلاعاتی؛ و یک فرهنگ نوین، یعنی فرهنگ شبکه‌ای را به عرصه وجود آورد. منطق نهفته در این اقتصاد، این جامعه و این فرهنگ، زیربنای کنش و نهادهای اجتماعی در سرتاسر جهانی به‌هم‌پیوسته است (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۱۷). برخی از ویژگی‌های اصلی جامعه شبکه‌ای که مرتبط با مقوله دیپلماسی رسانه‌ای و روابط بین‌المللی می‌باشد، عبارت است از:

- فرهنگ واقعیت مجازی: فرهنگ عصر اطلاعات در چارچوب انتقال نمادها شکل می‌گیرد. این فضای مجازی، فضای اصلی تعامل‌های معرفتی را کم‌وبیش در اختیار می‌گیرد.

- سیاست بر بال رسانه: در فضای مسلط فرهنگ متکی به واقعیت مجازی، بازیگران سیاسی ناگزیرند از رسانه‌های حامل نهادها به صورت تمام‌عیار بهره‌برداری کنند.

- زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها: مفاهیم زمان و مکان

دانیل بل و مانوئل کاستلز نقش اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی را در شکل‌دهی به ساختارهای جدید اجتماعی و سیاسی توضیح می‌دهند؛ دیوید هاروی با نظریه فشرده‌سازی زمان و فضا نشان می‌دهد که چگونه فناوری‌های دیجیتال و حمل‌ونقل سریع، محدودیت‌های فیزیکی و مکانی را کاهش داده‌اند؛ و نظریه دیپلماسی رسانه‌ای به بررسی نقش رسانه‌ها در مدیریت تصویر کشورها، شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی و تسهیل تعاملات بین‌المللی می‌پردازد. این چارچوب‌ها، با رویکردی نظام‌مند، به درک دقیق‌تر نقش فضای مجازی و جامعه شبکه‌ای در توسعه روابط بین‌الملل کمک می‌کنند.

۱. نظریه جامعه اطلاعاتی^{۱۴} و جامعه شبکه‌ای^{۱۵}

اصطلاح جامعه اطلاعاتی، بازگوکننده توسعه تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه، پیرامون جریان اطلاعات است. ظهور جامعه اطلاعاتی مقارن با چند تحول مرتبط به هم از جمله؛ جهانی‌شدن، ظهور اقتصاد مبتنی بر دانایی و توسعه و کاربرد عمیق شبکه‌های ارتباطی و پیام‌های دیجیتال است (محسنی، ۱۳۸۰: ۹). در جامعه اطلاعاتی، علاوه بر اینکه داده‌ها و اطلاعات در بانک‌های اطلاعاتی وجود دارند، در میان مردم هم جریان می‌یابند و بر زندگی روزمره آنها اثر می‌گذارند و الگوهای تولید و توزیع اطلاعات در اینگونه جوامع بی‌شبهت با الگوهای تولید و توزیع قدرت و ثروت در جامعه صنعتی نیستند (تومی، ۲۰۰۴: ۴). از نخستین ویژگی‌های جوامع اطلاعاتی ایجاد تحول در ارزش‌های فرهنگی، اخلاقیات، و آداب‌ورسوم است. آنچه هم‌زمان با پیدایش و توسعه جوامع اطلاعاتی در دنیا مطرح شده، تحمل و م‌د‌ارای فرهنگی است که ناشی از شناخت بیشتر است.

دانیل بل^{۱۶} (۲۰۱۱)، جامعه اطلاعاتی را به مثابه تجلی نوعی فراصنعت‌گرایی معرفی می‌کند و بر این باور است که اطلاعات و آگاهی، از حیث کمی و کیفی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری جامعه فراصنعتی دارند. از یک‌سو، ویژگی‌های این جامعه به بهره‌گیری فزاینده از اطلاعات منجر می‌شود، و از سوی دیگر، بل تأکید می‌کند که در جامعه فراصنعتی، نوعی تغییر کیفی بنیادین قابل مشاهده است. به بیان دیگر، در این جامعه، صرفاً افزایش حجم اطلاعات مطرح نیست، بلکه نوع متفاوت و پیچیده‌تری از اطلاعات در حال جریان

معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند که با معانی سنتی آن تفاوت دارد. انتقال آنی اطلاعات، داده‌ها، فواصل زمانی را از میان برداشته است.

در ساختار جامعه شبکه‌ای دولت‌های ملی که در شرایط متعارف نماینده اراده و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی هستند، از یک سو چنان تضعیف می‌شوند که توانایی کنترل اطلاعات یا سرمایه را در درون مرزهای خود از دست می‌دهند، و از سوی دیگر، چنان اهمیتی می‌یابند که می‌توانند بحران‌های بزرگ قومی و نژادی پدید آورند.

کاستلز در همین ارتباط به طرح مفهوم «جهان چهارم» می‌پردازد که در همه‌جای کره زمین، از آفریقای فقرزده گرفته تا گتوهای گسترش‌یافته در شهرهای بزرگ کشورهای ثروتمند غربی و تا حلبی‌آبادها و حصیرآبادها در آسیا و امریکای لاتین می‌توان حضور آن را به روشنی مشاهده کرد (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۱۸).

فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای عمل می‌کند و امکان تعاملات سریع‌تر و کارآمدتر بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازد. این تنوری نشان می‌دهد که فضای مجازی نقشی کلیدی در حذف مرزهای جغرافیایی و تسهیل روابط بین‌المللی ایفا می‌کند.

۲. نظریه فشرده‌سازی فضا و زمان^{۱۸}

دیوید هاروی^{۱۹} (۱۹۸۹) در کتاب خود این تنوری را مطرح کرد و معتقد بود که توسعه فناوری دیجیتال و حمل‌ونقل سریع، ساختار جدیدی از تعاملات اجتماعی و اقتصادی را شکل داده است. او بر این نکته تأکید داشت که فضای مجازی، جهان را به سوی شکل‌گیری نوعی جامعه شبکه‌ای سوق داده و آن را به یک «دهکده جهانی» بدل کرده است؛ پدیده‌ای که موجب تضعیف مرزهای جغرافیایی و فشرده‌گی زمان و مکان در روابط انسانی شده است (هاروی، ۱۳۶۸).

این تنوری، اذعان دارد که فضای مجازی و فناوری دیجیتال فاصله‌های زمانی و مکانی را فشرده کرده و امکان تعاملات سریع‌تر و کارآمدتر بین کشورها و فرهنگ‌ها را فراهم می‌کند. در این تنوری، وجود فیزیکی و محدودیت‌های مکانی و زمانی کاهش یافته است. دیوید هاروی: فرایند جهانی‌شدن را فشرده‌گی زمان-فضا می‌نامد که در جریان آن می‌تواند به گونه‌ای سازمان یابد که محدودیت‌های فضا را

کاهش دهد و برعکس.

درواقع فشرده‌گی زمان-فضا عبارت است از کاهش زمان و کوچک شدن فضا. از نظر هاروی با آغاز فشرده‌گی زمان-فضا نطفه فرایند جهانی‌شدن هم بسته شد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۴۶).

فضای مجازی به کاهش هزینه‌های مدیریتی و عملیاتی در روابط بین‌المللی کمک کرده است، زیرا امکان مذاکرات و همکاری‌های آنلاین را فراهم می‌کند. این موضوع به‌ویژه در بعد اقتصادی توسعه پایدار قابل توجه است، زیرا حضور فیزیکی و استفاده از منابع مکانی و زمانی نسبت به گذشته کاهش یافته است.

۳. دیپلماسی رسانه‌ای

در چارچوب گفتمان دیپلماسی رسانه‌ای، فضای مجازی و رسانه‌های نوین می‌توانند به عنوان ابزاری کارآمد در جهت پیشبرد دیپلماسی و کاهش تنش‌های بین‌المللی به کار گرفته شوند. این رسانه‌ها با فراهم‌ساختن بستر ارتباط مستقیم میان دولت‌ها و افکار عمومی، جایگاه مهمی در تعاملات فراملی ایفا می‌کنند.

ابو^{۲۰} (۱۳۷۵) دیپلماسی رسانه‌ای را به‌منزله هرگونه بهره‌گیری از رسانه‌ها برای بیان و ترویج سیاست خارجی توصیف می‌کند (ابو، ۱۳۷۵: ۴۴). به بیان دیگر، دیپلماسی رسانه‌ای به مجموعه‌ای از سازوکارها اطلاق می‌شود که از طریق آن می‌توان بخشی از سیاست‌ها را بر مردم، احزاب، سیاست‌مداران، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌های بین‌المللی و حتی سایر دولت‌ها اعمال کرد.

از منظر گیل‌بوآ^{۲۱} (۲۰۰۲)، دیپلماسی رسانه‌ای به‌طورکلی به معنای بهره‌گیری هدفمند از رسانه‌ها به منظور تکمیل و ارتقاء سیاست خارجی یک کشور است. این نوع دیپلماسی، به‌ویژه در بستر جامعه شبکه‌ای، نقش مهمی در تسهیل جریان اطلاعات، شکل‌دهی افکار عمومی جهانی و روان‌سازی فرایندهای سیاست خارجی ایفا می‌کند (Gil-boa, 2002).

در همین زمینه، راما پراساد^{۲۲} (۱۳۸۱) دیپلماسی رسانه‌ای را به عنوان نقشی تعریف می‌کند که رسانه‌ها در فعالیت‌های دیپلماتیک میان کشورها ایفا می‌نمایند (پراساد، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

همچنین، تیلور^{۲۳} (۱۳۷۶) معتقد است که دیپلماسی

سیاست رسانه‌ای تمام دنیای سیاست نیست اما تمام سیاست‌ها باید از طریق رسانه‌ها بر فرایند تصمیم‌گیری اثر بگذارند. بدین ترتیب، منطق درونی نظام رسانه‌ها، به‌خصوص رسانه‌های نوین الکترونیک، چارچوب اساسی محتوا، سازمان، فرایند و رهبری دنیای سیاست را تشکیل می‌دهند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۸۲).

پیشینه پژوهش

- حاجی احمدی و ملکیان (۱۴۰۳) نشان دادند که هماهنگی بین رسانه ملی و سیاست خارجی، دیپلماسی رسانه‌ای را به ابزاری مؤثر برای تقویت جایگاه بین‌المللی تبدیل می‌کند. این مطالعه، نقش رسانه‌های دیجیتال در تسهیل تعاملات بین‌المللی و کاهش تنش‌ها را تأکید کرده و به اهداف پژوهش حاضر، از جمله تقویت همکاری‌های جهانی و حل مناقشات، کمک می‌کند.

- مهربانی‌فر (۱۴۰۲) نشان داد که نبود رسانه‌های محلی در سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای مانع از تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. این مطالعه به هدف دوم و سوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها و حل مناقشات) کمک می‌کند، زیرا سیاست‌گذاری ضعیف رسانه‌ای می‌تواند تعاملات بین‌المللی را مختل کند. همچنین، رسانه‌های محلی می‌توانند نقش مهمی در تسهیل گفت‌وگوهای بین‌المللی ایفا کنند.

- روحانی و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر فضای مجازی بر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و امنیتی را بررسی کردند و نشان دادند که این فضا نقش کلیدی در حکمرانی ملی ایفا می‌کند. این مطالعه به هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) کمک می‌کند، زیرا تأثیرات چندوجهی فضای مجازی می‌تواند چالش‌هایی برای مدیریت تعاملات بین‌المللی ایجاد کند. همچنین، به هدف سوم پژوهش (بررسی ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای) نیز مرتبط است.

- آقایی و همکاران (۱۴۰۲) نقش فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی را در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا بررسی کردند و نشان دادند که اینترنت و رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به تقویت همکاری‌های بین‌المللی و کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک کنند. این مطالعه به هدف اول پژوهش (همکاری‌های جهانی) و هدف سوم پژوهش (ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای) مرتبط است.

الفیه^{۲۵} (۲۰۲۴)، بر ضرورت همکاری بین‌المللی

رسانه‌ای را باید هنر برقراری ارتباط میان دولت‌ها، حل و فصل منازعات و تعارضات در محیط بین‌الملل، و اقناع افکار عمومی جوامع دیگر از طریق رسانه‌های جهانی دانست (تیلور، ۱۳۷۶: ۸۳). در واقع دیپلماسی، کوششی است که یک بازیگر بین‌المللی برای مدیریت و حل و فصل اختلافات محیط بین‌الملل از طریق کار با یک بازیگر بین‌المللی دیگر به کار می‌گیرد. (ظریف، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). رسانه‌ها، به دلیل دسترسی سریع و پوشش گسترده‌ای که دارند، در مقایسه با منابع رسمی، دامنه متنوع‌تری از مسائل را در بر می‌گیرند. به باور کوهن، حتی نحوه ارائه و برداشت عمومی از رویدادهای مهم نیز تا حد زیادی توسط رسانه‌ها شکل می‌گیرد (ژانگ^{۲۴}، ۱۳۸۹: ۲۳۶). این وضعیت در چارچوب جامعه شبکه‌ای، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی نهادهای دیپلماسی و دستگاه‌های سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است؛ چراکه روایت‌سازی رسانه‌ای از تحولات جهانی، می‌تواند جهت‌گیری افکار عمومی و در نتیجه سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. در دوران جدید و پیشرفت علم و فناوری در شکل دیپلماسی تغییراتی عمده شکل گرفته است. در دیپلماسی نوین به جای دست‌کاری واقعیت‌ها به تولید واقعیت می‌پردازند. بازیگران سعی می‌کنند با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، «تصویری مجاز» از رقیبان خود تولید نمایند که امکان جایگزین شدن با واقعیت را داشته باشد. بدین ترتیب «واقعیت‌های مجازی» شکل می‌گیرند که از یکسو «مجازند»، زیرا با آنچه در جهان خارج است، منطبق نیستند، و از سوی دیگر بهره‌ای از واقعیت دارند، چون عمده افکار عمومی و تصمیم‌گیران آنها را پذیرفته‌اند و بر اساس آن تحلیل و حتی اقدام می‌نمایند. عملکرد دیپلماسی عمومی به گونه‌ای است، که دولت‌ها نیازمند ایجاد شبکه ارتباطات حرفه‌ای و گسترده‌ای هستند. پیامی که این شبکه به مخاطب خارجی می‌رساند، نشان‌دهنده هویت و طرز فکر عامه یک کشور است و همواره باید ابعاد سازگاری و استمرار را در خود داشته باشد. بهره‌گیری از رسانه کارآمد در بحث دیپلماسی عمومی، بسیار با اهمیت است. رسانه‌ها با قدرت نفوذ فوق‌العاده خود در جوامع گوناگون، قادرند تصویر مثبت یا منفی از یک کشور را در جهان خلق کنند. این مسئله باعث شده تا مدیریت رسانه‌ها مورد توجه خاص دولت‌ها قرار گیرد (Sheafer & Gabay, 2009: 445).

تأکید داشت. این مطالعه به هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) و هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) کمک می‌کند.

اتحادیه بین‌المللی ارتباطات^{۳۲} (۲۰۲۱)، نابرابری در دسترسی به فناوری دیجیتال را چالشی کلیدی برای توسعه پایدار در روابط بین‌المللی دانست. این مطالعه به هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) و هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) مرتبط است.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۲۰) نشان داد که هوش مصنوعی می‌تواند تعاملات بین‌المللی را تقویت کند اما مدیریت نادرست آن می‌تواند چالش‌هایی ایجاد کند. این مطالعه به هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) و هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) کمک می‌کند.

مایورر^{۳۳} (۲۰۲۰)، اشاره کرد که انتشار جهانی اینترنت امکان تأثیرات از راه دور در روابط بین‌الملل را فراهم می‌کند و به تقویت همکاری‌های جهانی کمک می‌کند. این مطالعه به هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) و هدف سوم پژوهش (بررسی ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای) مرتبط است.

همپتون^{۳۴} و همکاران (۲۰۱۱)، شبکه‌های اجتماعی را به عنوان ابزاری برای تقویت تعاملات بین‌المللی معرفی کردند اما به چالش‌های اخلاطی نیز اشاره کردند. این مطالعه به هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) و هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) کمک می‌کند.

کاپلان و هینلین^{۳۵} (۲۰۱۰)، نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند فرهنگ‌ها را ترویج دهند اما نیازمند مدیریت صحیح هستند. این مطالعه به هدف سوم پژوهش (بررسی ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای) و هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) مرتبط است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث روش، از نوع کیفی - اکتشافی و از نظر هدف کاربردی است که با استفاده از روش نظریه داده بنیاد صورت گرفته است. نظریه داده بنیاد یکی از استراتژی‌های پژوهش محسوب می‌شود که با استفاده از آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد به این صورت که استراتژی روند شکل‌گیری نظریه

برای مقابله با تهدیدات سایبری تأکید کرده و نقش حقوق بین‌الملل و استراتژی‌های ژئوپلیتیکی را در ایجاد محیط امن‌تر را برجسته نموده است. این مطالعه به هدف اول و دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها و تقویت همکاری‌های جهانی) کمک می‌کند، زیرا همکاری‌های بین‌المللی در فضای مجازی می‌تواند به حل چالش‌های امنیتی کمک کند.

فولن و میباور^{۳۶} (۲۰۲۴)، تأثیر فضای سایبری را بر بازاریابی، سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی مورد بررسی قرار دادند و نیاز به رویکردی متعادل در استفاده از ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای را تأکید کردند. این مطالعه به هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) و هدف سوم پژوهش (بررسی ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای) مرتبط است. شورای روابط خارجی^{۳۷} (۲۰۲۳)، امنیت اطلاعاتی را چالشی کلیدی در روابط بین‌الملل دانست و بر هماهنگی بین‌المللی برای مقابله با تهدیدات سایبری تأکید کرد. این مطالعه به هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) و هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) کمک می‌کند.

یونسکو^{۳۸} (۲۰۲۲)، نقش فضای مجازی در توسعه آموزش دیجیتال و تعاملات بین‌فرهنگی را بررسی کرد و هماهنگی بین‌المللی را برای تسهیل این تعاملات ضروری دانست. این مطالعه به هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) و هدف سوم پژوهش (بررسی ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای) مرتبط است.

سازمان ملل متحد^{۳۹} (۲۰۲۲)، در گزارشی نشان داد که همکاری در فضای مجازی می‌تواند به حل چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و بحران‌های انسانی کمک کند. این مطالعه به هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) و هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) کمک می‌کند.

کمیسیون اروپا^{۴۰} (۲۰۲۲)، مدیریت داده‌ها و امنیت اطلاعاتی را برای تقویت همکاری بین‌المللی در فضای مجازی ضروری دانست و بر اهمیت سیاست‌گذاری منسجم تأکید کرد. این مطالعه به هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌ها) و هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) مرتبط است.

بانک جهانی^{۴۱} (۲۰۲۱)، نقش فضای مجازی در تسریع تجارت الکترونیکی و همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی را بررسی کرد و بر نیاز به مدیریت بهتر دسترسی دیجیتال

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان.

ردیف	کد مصاحبه‌شونده	تحصیلات	سن	جنسیت	حوزه فعالیت
۱	P1	دانشجوی دکتری	۳۹	مرد	دانشگاه
۲	P2	دانشجوی دکتری	۲۴	مرد	دانشگاه
۳	P3	کارشناسی ارشد	۳۴	زن	دانشگاه
۴	P4	دکتری	۵۶	زن	دانشگاه
۵	P5	کارشناسی ارشد	۳۵	زن	استاد دانشگاه
۶	P6	دکتری	۵۰	مرد	استاد دانشگاه
۷	P7	دکتری	۶۲	مرد	استاد دانشگاه
۸	P8	دانشجوی دکتری	۴۰	مرد	دانشگاه
۹	P9	دانشجوی دکتری	۳۷	مرد	دانشگاه
۱۰	P10	کارشناسی ارشد	۳۳	زن	اجرایی
۱۱	P11	دکتری	۶۷	مرد	اجرایی و استاد دانشگاه
۱۲	P12	دکتری	۴۵	مرد	وزارت امور خارجه
۱۳	P13	کارشناسی ارشد	۳۹	مرد	وزارت دفاع
۱۴	P14	کارشناسی ارشد	۲۴	مرد	وزارت دفاع
۱۵	P15	کارشناسی ارشد	۳۴	زن	وزارت امور خارجه
۱۶	P16	دکتری	۵۶	زن	کارشناس روابط بین‌الملل
۱۷	P17	کارشناسی ارشد	۳۵	زن	کارشناس فضای مجازی
۱۸	P18	دکتری	۵۰	مرد	سفارتخانه
۱۹	P19	دکتری	۶۲	مرد	وزارت کشور
۲۰	P20	کارشناسی ارشد	۴۰	مرد	سفارتخانه
۲۱	P21	کارشناسی ارشد	۳۷	مرد	کارشناس فضای مجازی
۲۲	P22	کارشناسی ارشد	۳۳	زن	وزارت امور خارجه
۲۳	P23	دکتری	۶۷	مرد	کارشناس فضای مجازی

حرکت از جزء به کل است (Whiteley & Winyard, 2018: 35).

نظریه داده بنیاد از بازتاب تحقیقات تجربی بر روی پارادایم آزمون فرضیه‌های کمی ناشی می‌شود. بنیان‌گذاران نظریه بنیادی خاطر نشان کردند که جامعه‌شناسی تأکید زیادی بر تأیید نظری دارد و «تلاش‌ها برای از بین بردن شکاف بین نظریه و تحقیق عمدتاً بر بهبود روش‌های آزمایش نظریه متمرکز شده است» (Glaser & Strauss, 2017: 3). نظریه داده بنیاد از استخراج نظریه‌ها به طور مستقیم از مواد تجربی با روش استقرایی گام‌به‌گام و مقایسه آنها با نظریه‌ها و تحقیقات موجود حمایت می‌کند. اجتناب از ایده‌های از پیش تعیین شده یا حدس و گمان قبل از تجزیه و تحلیل، یک اصل مهم برای اطمینان از اثربخشی پایه است (Chen & Chen, 2024). سه طرح اصلی برای نظریه داده بنیاد مطرح شده است که شامل طرح نظام‌مند، طرح ساختارگرا و طرح ظهور یافته هستند که در این تحقیق از طرح نظام‌مند استفاده می‌شود. جامعه آماری پژوهش، متخصصین و صاحب‌نظران حوزه روابط بین‌الملل بودند، که با توجه به ماهیت روش داده بنیاد یا نظریه زمینه‌ای و همچنین پراکنده و ناشناس بودن جامعه آماری پژوهش، جهت انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. بر اساس دیدگاه کروسول^{۳۶} (۲۰۱۵: ۹۰) در نمونه‌گیری نظری، از رویدادها و نه صرفاً افراد نمونه‌گیری می‌شود و هدف از مراجعه به افراد برای مصاحبه کاوش رویدادها است. در این پژوهش، در مجموعه ۲۳ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته حاصل گردید. «جدول ۱» اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که اشاره شد در این تحقیق از نظریه داده بنیاد و رهیافت نظام‌مند و کدگذاری سه مرحله‌ای استفاده شد. بر اساس دیدگاه کراسوا (۲۰۱۵) در مرحله اول کدگذاری، یعنی کدگذاری باز، نظریه‌پرداز زمینه‌ای باید دسته‌بندی‌های اولیه اطلاعاتی در مورد موضوع مورد مطالعه را با تقسیم‌بندی داده‌های جمع‌آوری شده بسازد. برای این کار، نظریه‌پرداز داده بنیاد باید کلمات یا عبارات مهم را شناسایی کرده و آنها را با استفاده از یک اصطلاح مناسب برچسب‌گذاری کند (Birks & Mills, 2011). سپس، تمام داده‌های جمع‌آوری شده به دسته‌های مربوطه طبقه‌بندی می‌شوند.

طبق گفته والر و میریک^{۳۷} (2006)، یک نظریه‌پرداز زمینه‌ای ممکن است داده‌ها را به روش‌های مختلفی کدگذاری کند و از یادداشت‌ها برای ساختن مفهومی نوظهور یا نظریه‌ای

کدها انتخاب شد. در نهایت اطلاعات و کدهای غنی از بین این مصاحبه‌ها استخراج شد تا این کدها توانستند طبق نظر استراوس و کوربین به اشباع نظری برسند و دیگر کد جدیدی حاصل نشد. برخی از متون مصاحبه‌ها و گزاره‌های منطقی در «جدول ۲» نشان داده شده‌اند.

در حین تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کند. به طور خلاصه، کدگذاری باز مرحله اولیه تشکیل نظریه نوظهور یا مفهومی است. در این مطالعه همان‌طور که گفته شد در مجموعه ۱۲ نفر از اساتید و خبرگان در تحقیق مشارکت داشتند که در مجموعه ۲۰۰ کد اولیه از متن مصاحبه استخراج شد. کدها به صورت پیوسته تغییر و تعدیل شدند. همچنین این کدها توسط محققان بازخوانی شد و حتی نام‌های بهتری برای این

جدول ۲. کدگذاری اولیه (نمونه از متون مصاحبه).

کد	متن مصاحبه (نکات کلیدی)	گزاره‌های منطقی (کدهای باز اولیه)
P1	فضای مجازی تعاملات بین‌المللی را تسهیل کرده و ابزارهای دیجیتال سبب سرعت و کارایی بیشتر در همکاری‌ها شده‌اند.	نقش فضای مجازی، ابزارهای دیجیتال، همکاری علمی و اقتصادی، سرعت ارتباطات
P2	پلتفرم‌های دیجیتال به ترویج فرهنگ و سیاست‌های خارجی کمک کرده و تعامل مستقیم با مخاطبان را ممکن ساخته‌اند.	دیپلماسی عمومی، شبکه‌های اجتماعی، تصویر بین‌المللی، ترویج فرهنگ، سیاست‌های خارجی
P3	فضای مجازی مدیریت بحران‌های بین‌المللی را بهبود داده، اما نیاز به زیرساخت‌های امن دارد.	مدیریت بحران، هماهنگی بین‌المللی، امنیت دیجیتال
P4	اخبار جعلی و اطلاعات نادرست تهدیدی برای اعتماد بین‌المللی و تعاملات دیپلماتیک هستند.	اخبار جعلی، اطلاعات نادرست، اعتماد بین‌المللی، تنش‌های دیپلماتیک
P5	امنیت سایبری چالشی برای دیپلماسی دیجیتال است و حملات سایبری می‌توانند همکاری‌های جهانی را مختل کنند.	امنیت سایبری، حملات سایبری، اختلال در همکاری
P6	شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان ابزاری برای میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی عمل کنند.	میانجی‌گری دیجیتال، کاهش تنش، بازیگران غیردولتی
P7	شفافیت شبکه‌های اجتماعی به حل مناقشات کمک کرده و فشار برای پاسخگویی را افزایش می‌دهد.	شفافیت شبکه‌ای، حل مناقشات، فشار برای پاسخگویی
P8	شکاف دیجیتال مانع همکاری‌های برابر در فضای مجازی می‌شود و دسترسی نابرابر به فناوری فرصت‌ها را محدود می‌کند.	شکاف دیجیتال، نابرابری در همکاری، دسترسی به فناوری
P9	فضای مجازی مذاکرات دیپلماتیک را تسهیل کرده و پلتفرم‌های ویدئوکنفرانس امکان گفت‌وگوهای رسمی و غیررسمی را فراهم کرده‌اند.	مذاکرات دیپلماتیک، پلتفرم‌های ویدئوکنفرانس، مدیریت بحران
P10	کشورها از فضای مجازی برای ساخت هویت ملی و تقویت قدرت نرم خود استفاده می‌کنند.	هویت‌سازی دیجیتال، قدرت نرم، کمپین‌های دیجیتال، جذب افکار عمومی
P11	نقض حریم خصوصی در فضای دیجیتال اعتمادسازی در روابط بین‌الملل را دشوار کرده است.	حریم خصوصی، اعتمادسازی، چالش دیپلماسی دیجیتال
P12	شهروندان عادی از طریق شبکه‌های اجتماعی در دیپلماسی عمومی مشارکت می‌کنند.	دیپلماسی شهروندی، شبکه‌های اجتماعی، همکاری‌های جهانی
P13	شبکه‌های اجتماعی ابزاری کلیدی برای دیپلماسی عمومی و ارتباط مستقیم با مخاطبان جهانی هستند.	دیپلماسی عمومی، شبکه‌های اجتماعی، تصویر بین‌المللی، تعامل مستقیم
P14	فضای مجازی مذاکرات دیپلماتیک را تسهیل کرده، اما نیاز به پروتکل‌های دیجیتال برای مدیریت تعاملات وجود دارد.	مذاکرات دیپلماتیک، پروتکل‌های دیجیتال، مدیریت بحران
P15	اخبار جعلی و اطلاعات نادرست در فضای مجازی چالش بزرگی برای روابط بین‌الملل هستند.	اخبار جعلی، اطلاعات نادرست، چالش روابط بین‌الملل
P16	امنیت سایبری یکی از موانع اصلی بهره‌گیری از فضای مجازی در دیپلماسی است.	امنیت سایبری، حملات سایبری، اختلال در همکاری
P17	شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان ابزاری برای میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی عمل کنند.	میانجی‌گری دیجیتال، کاهش تنش
P18	شفافیت شبکه‌های اجتماعی به حل مناقشات کمک کرده و فشار برای پاسخگویی را افزایش می‌دهد.	شفافیت شبکه‌ای، حل مناقشات
P19	کشورها از فضای مجازی برای ساخت هویت ملی و تقویت قدرت نرم خود استفاده می‌کنند.	هویت‌سازی دیجیتال، قدرت نرم
P20	شکاف دیجیتال مانع همکاری‌های برابر در فضای مجازی می‌شود.	شکاف دیجیتال، نابرابری در همکاری
P21	شهروندان عادی از طریق شبکه‌های اجتماعی در دیپلماسی عمومی مشارکت می‌کنند.	دیپلماسی شهروندی
P22	فضای مجازی سرعت واکنش به بحران‌های بین‌المللی را افزایش داده است.	سرعت واکنش، مدیریت بحران
P23	نقض حریم در روابط بین‌الملل نگرانی‌های مربوط به اعتمادسازی و داده‌های حیاتی را افزایش داده است.	حریم خصوصی، اعتمادسازی

جدول ۳. دسته‌بندی کدها بر اساس ارتباط با سؤالات پژوهش.

سؤال پژوهش	تعداد کدهای باز	درصد	ردیف‌های مرتبط
نقش فضای مجازی در همکاری‌های بین‌المللی	۶۰	٪۵۳	P1, P2, P3, P9, P10, P12, P13, P14, P19, P21, P22
چالش‌های بهره‌گیری از فضای مجازی	۳۴	٪۳۰	P4, P5, P8, P11, P15, P16, P20, P23
ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای برای حل مناقشات	۱۹	٪۱۷	P6, P7, P17, P18

چگونه استراتژی‌های خاص منجر به نتایج خاص می‌شوند (Creswell, 2015). در «جدول ۵» شرایط علی که عبارت است از حوادث، وقایع و رویدادهایی که در وقوع و یا تشدید یک پدیده کمک می‌کنند ارائه شده‌اند.

با توجه به ۱۴ مقوله محوری مستخرج از ۱۱۳ کد باز

با توجه به «جدول ۲» محققان توانستند ۲۰۰ کد اولیه از متون مصاحبه استخراج کنند. برخی از این کدها تکراری و برخی نیز دارای مفهوم مشترک بودند. با ادغام و حذف کدهای تکراری در مجموعه ۱۱۳ کد اولیه استخراج و این کدها به بر اساس ارتباط با سؤالات پژوهش در «جدول ۳» دسته‌بندی شد.

پس از کدگذاری باز اولیه و تطبیق آن با سؤالات پژوهش، که در مراحل قبلی بیان شد در این مرحله کدگذاری محوری انجام شد. بر طبق نظر کراسول (۲۰۱۵) کدگذاری محوری بعد از کدگذاری باز می‌آید. در «جدول ۴» کدگذاری محوری ارائه شده است.

طبق گفته کراسول (۲۰۱۵)، کدگذاری انتخابی سومین مرحله از سه مرحله کدگذاری است. در کدگذاری انتخابی، نظریه‌پرداز داده بنیاد با تفسیر روابط متقابل که در بین دسته‌ها که در کدگذاری محوری شکل گرفته‌اند، نظریه‌ای تولید می‌کند. کدگذاری انتخابی فقط متغیرهای مرتبط با متغیرهای اصلی را حفظ می‌کند تا نظریه‌ای صریح تولید کند (Glaser & Holton, 2004). روایت نظری به‌دست آمده به نظریه‌پرداز داده بنیاد این امکان را می‌دهد که بررسی کند چگونه عوامل خاص بر پدیده مطالعه‌شده تأثیر می‌گذارند و

جدول ۴. کدگذاری محوری مدل داده‌بنیاد.

مقولات محوری	کدهای باز
توسعه فناوری‌های دیجیتال و ارتباطی	سرعت فناوری‌های دیجیتال، اینترنت، هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های بزرگ
گسترش دسترسی به اینترنت و ابزارهای دیجیتال	دسترسی به اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، توسعه روابط در فضای مجازی
افزایش نیاز به ارتباطات سریع و مؤثر	نیاز به ارتباطات سریع، جامعه شبکه‌ای، جامعه اطلاعاتی
تمایل به همکاری‌های بین‌المللی برای حل بحران‌ها	همکاری‌های دیجیتال، تبادل اطلاعات، حل بحران‌ها
توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی آنلاین	همکاری‌های علمی و فرهنگی، تقویت روابط بین‌المللی، توسعه پایدار
نیاز به شفافیت و پاسخگویی در دیپلماسی جهانی	شفافیت در مذاکرات، نظارت و پاسخگویی، استفاده از فضای مجازی
افزایش رقابت‌های دیجیتال و اقتصادی بین‌المللی	رقابت‌های اقتصادی و دیجیتال، تأثیر فضای مجازی بر روابط اقتصادی
توسعه تجارت الکترونیکی و دیپلماسی اقتصادی دیجیتال	تجارت الکترونیکی، دیپلماسی اقتصادی، تسهیل روابط اقتصادی
مدیریت بحران‌های جهانی از طریق همکاری‌های دیجیتال	همکاری‌های دیجیتال در بحران‌ها، واکنش‌های سریع
حاکمیت دیجیتال جهانی و قوانین بین‌المللی	چارچوب‌های قانونی، حاکمیت دیجیتال، قوانین بین‌المللی
دیپلماسی عمومی و شهروندی	دیپلماسی عمومی، شهروندی، جنبش‌های اجتماعی، کمپین‌های محیط‌زیستی
چالش‌های سایبری و اطلاعاتی	امنیت سایبری، حملات سایبری، اخبار جعلی، حریم خصوصی
میانجی‌گری دیجیتال و حل مناقشات	میانجی‌گری دیجیتال، کاهش تنش، بازیگران غیردولتی
هویت‌سازی و قدرت نرم دیجیتال	هویت‌سازی دیجیتال، قدرت نرم، کمپین‌های دیجیتال

جدول ۵. کدگذاری انتخابی کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل.

سؤال پژوهش	نقش در مقوله مرکزی	کدهای باز اولیه مرتبط	مقوله محوری	دسته‌بندی
سؤال ۱	فراهم کردن ابزارهای دیجیتال برای دیپلماسی و همکاری	ابزارهای دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های ویدئوکنفرانس	توسعه فناوری‌های دیجیتال و ارتباطی	عوامل تقویت‌کننده
سؤال ۱	افزایش دسترسی کشورها و شهروندان به تعاملات جهانی	دسترسی به فناوری، زیرساخت‌های دیجیتال	گسترش دسترسی به اینترنت و ابزارهای دیجیتال	
سؤال ۱	تسریع ارتباطات دیپلماتیک و هماهنگی در بحران‌ها	سرعت ارتباطات، تعامل مستقیم	افزایش نیاز به ارتباطات سریع و مؤثر	
سؤال ۱	انگیزه برای همکاری در پروژه‌های جهانی	همکاری‌های جهانی، هماهنگی بین‌المللی	همکاری‌های بین‌المللی برای حل بحران‌ها	
سؤال ۱	تقویت همکاری‌های علمی و فرهنگی از طریق پلتفرم‌های آنلاین	همکاری علمی، محتوای فرهنگی، تصویر بین‌المللی	توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی آنلاین	
سؤال ۱	گسترش همکاری‌های اقتصادی از طریق پلتفرم‌های دیجیتال	همکاری اقتصادی	توسعه تجارت الکترونیکی و دیپلماسی اقتصادی دیجیتال	
سؤال ۱	مشارکت شهروندان در دیپلماسی از طریق شبکه‌های اجتماعی	دیپلماسی عمومی، دیپلماسی شهروندی، جنبش‌های اجتماعی	دیپلماسی عمومی و شهروندی	
سؤال ۱	تقویت نفوذ فرهنگی و سیاسی کشورها در فضای مجازی	هویت‌سازی دیجیتال، قدرت نرم	هویت‌سازی و قدرت نرم دیجیتال	
سؤال ۲	ایجاد نابرابری و تنش در همکاری‌های دیجیتال	شکاف دیجیتال، نابرابری در همکاری، تنش‌های دیپلماتیک	افزایش رقابت‌های دیجیتال و اقتصادی بین‌المللی	موانع
سؤال ۲	تهدیداتی مثل اخبار جعلی و حملات سایبری که اعتماد را تضعیف می‌کنند	امنیت سایبری، اخبار جعلی، اطلاعات نادرست، حریم خصوصی	چالش‌های سایبری و اطلاعاتی	
سؤال ۳	استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای پاسخگویی و کاهش تنش	شفافیت شبکه‌ای، نظارت عمومی	نیاز به شفافیت و پاسخگویی	استراتژی‌های مدیریت
سؤال ۳	بهره‌گیری از پلتفرم‌های دیجیتال برای گفت‌وگو و حل مناقشات	میانجی‌گری دیجیتال، کاهش تنش	میانجی‌گری دیجیتال و حل مناقشات	
سؤال ۱، ۳	هماهنگی سریع در بحران‌ها از طریق ابزارهای دیجیتال	مدیریت بحران	مدیریت بحران‌های جهانی از طریق همکاری‌های دیجیتال	
سؤال ۱، ۲	ایجاد قوانین برای مدیریت دیپلماسی دیجیتال و کاهش چالش‌ها	پروئکل‌های دیجیتال	حاکمیت دیجیتال جهانی و قوانین بین‌المللی	

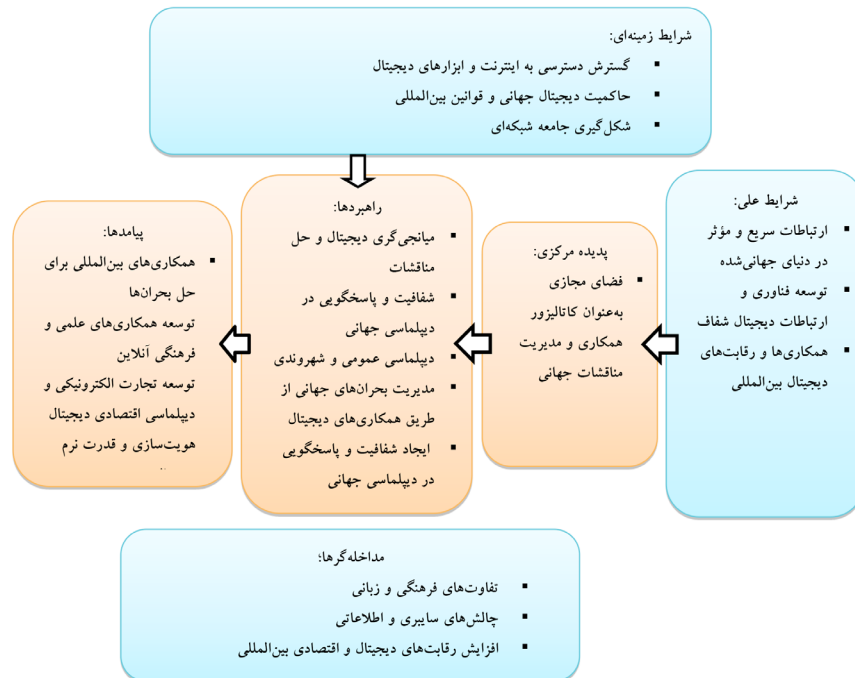
مصاحبه‌ها پررنگ بوده است. (جدول ۵)
در ادامه برای رسیدن به مدل نهایی هدف پژوهش، تلاش گردید؛ ۱۴ مقوله محوری به ۶ بعد مدل (شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها، پیامدها) تخصیص داده بشوند و روابط بین مقوله مرکزی و مقوله‌های محوری روشن گردد. برای رسیدن به این هدف، ابتدا مقوله مرکزی («فضای مجازی به عنوان کاتالیزور همکاری و مدیریت مناقشات جهانی») رو به عنوان پدیده مرکزی در نظر گرفتیم. سپس، با توجه به نقش هر مقوله محوری در کدنویسی انتخابی (تقویت‌کننده، مانع، یا استراتژی)، آنها

اولیه و همچنین گزاره‌های مندرج در سؤالات پژوهش، در این بخش ضرورت دارد به انتخاب مقوله مرکزی پردازیم تا بتوانیم ابعاد مدل را پیرامون آن ترسیم نماییم. بر همین اساس «فضای مجازی به عنوان کاتالیزور همکاری و مدیریت مناقشات جهانی» به عنوان مقوله مرکزی انتخاب گردید. دلیل انتخاب شامل؛ جامعیت و نقش دوگانه فضای مجازی هم تقویت همکاری‌های بین‌المللی (مثل دیپلماسی دیجیتال، همکاری‌های علمی) و هم در مدیریت مناقشات (مثل میانجی‌گری دیجیتال، شفافیت) بوده است. همچنین مفاهیم مرتبط با «فضای مجازی» و «همکاری» در اکثر

جدول ۶. ابعاد مدل حاصل از گراندد تئوری.

بعد مدل	مقوله‌های محوری	توضیح
شرایط علی	توسعه فناوری‌های دیجیتال، افزایش نیاز به ارتباطات سریع، رقابت‌های دیجیتال بین‌المللی	پیشرفت فناوری و نیاز به ارتباطات سریع، فضای مجازی را به کاتالیزوری برای همکاری و مدیریت مناقشات تبدیل کرده.
پدیده	فضای مجازی به عنوان کاتالیزور همکاری و مدیریت مناقشات جهانی	هسته پژوهش: فضای مجازی هم همکاری‌های جهانی را تقویت می‌کند و هم بستری برای مدیریت مناقشات فراهم می‌کند.
زمینه	گسترش دسترسی به اینترنت، حاکمیت دیجیتال جهانی، شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای	دسترسی گسترده به اینترنت و نیاز به قوانین دیجیتال، محیطی را شکل داده که فضای مجازی در آن عمل می‌کند.
شرایط مداخله‌گر	چالش‌های سایبری، رقابت‌های دیجیتال، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی	اخبار جعلی، حملات سایبری، و رقابت‌های دیجیتال مانعی هستند که اعتماد و همکاری را در فضای مجازی تهدید می‌کنند.
استراتژی‌ها	میانجی‌گری دیجیتال، شفافیت، دیپلماسی عمومی، مدیریت بحران	استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای گفت‌وگو، شفافیت، مشارکت شهروندان، و هماهنگی در بحران‌ها.
پیامدها	همکاری‌های بین‌المللی، توسعه علمی و فرهنگی، تجارت الکترونیکی، قدرت نرم دیجیتال	نتایج شامل همکاری‌های جهانی، نفوذ فرهنگی، رشد اقتصادی، و تقویت هویت ملی.

را به ابعاد مدل وصل نمودیم. مثلاً، «توسعه فناوری‌های دیجیتال» به عنوان شرط علی انتخاب شد چون باعث فعال شدن فضای مجازی شده. کدهای باز اولیه و ردیف‌های مصاحبه (P1 تا P23) برای هر مقوله بررسی شدن تا تخصیص‌ها با داده‌ها هم‌خوانی داشته باشند. (جدول ۶) به این صورت که شرایط علی کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل بر پدیده اصلی تأثیر دارد و پدیده محوری تحت شرایط علی می‌باشد. پدیده محوری خود بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. راهبردها نیز تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و متغیرهای مداخله‌گر قرار دارد. در نهایت راهبردهای کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل نیز بر پیامدهای این الگو تأثیر دارد. الگوی حاصل شده را می‌توان در قالب یک بیان روایتی داستان‌گونه بر آمده از داده‌ها بیان نمود تا تفسیر مجمل و گویایی از آن به دست آید. شکل زیر مدل داده بنیاد تحقیق است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل کارکردهای فضای مجازی در توسعه پایدار روابط بین‌الملل

نتیجه‌گیری

دیجیتال برای تعاملات سریع و شفاف، تدوین استراتژی‌های مقابله با اخبار جعلی برای حفظ اعتماد بین‌المللی، ارتقای همکاری‌های چندجانبه در حوزه‌های علمی و اقتصادی، پیشگیری از تهدیدات سایبری برای تضمین امنیت دیجیتال، و ایجاد شفافیت و پاسخگویی بیشتر در عرصه دیپلماسی جهانی از طریق نظارت عمومی شبکه‌ای هستند. این راهبردها، که در مدل داده‌بنیاد پژوهش به عنوان استراتژی‌های مدیریت شناسایی شده‌اند، ظرفیت فضای مجازی را برای مدیریت مناقشات و تقویت همکاری‌های جهانی برجسته می‌کنند.

علاوه بر این، شرایط زمینه‌ای مانند سیاست‌های داخلی و اولویت‌های ملی، نیاز به زیرساخت‌های مناسب دیجیتال، وجود قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی، آمادگی دولت‌ها برای پذیرش و اجرای دیپلماسی دیجیتال، و روندهای جهانی در زمینه فناوری و دیجیتال، اثربخشی فضای مجازی در روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این شرایط، که در مدل پژوهش به عنوان زمینه شناخته شده‌اند، بستری ساختاری برای عملکرد فضای مجازی به عنوان کاتالیزور فراهم می‌کنند. پدیده مرکزی این مطالعه، یعنی نقش فضای مجازی در تعاملات بین‌المللی و تقویت روابط بین‌الملل، نشان‌دهنده جایگاه محوری این فضا در بازتعریف دیپلماسی مدرن است.

با این حال، مداخله‌گرهایی مانند تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، چالش‌های قانونی و حقوقی، تهدیدات سایبری، و محدودیت‌های دسترسی به فناوری در برخی کشورها، به عنوان موانع کلیدی، می‌توانند مانع از بهره‌برداری کامل از پتانسیل فضای مجازی شوند. این موانع، که در مدل داده‌بنیاد به عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شده‌اند، نیازمند توجه ویژه در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی هستند تا اثربخشی فضای مجازی در روابط بین‌الملل تضمین شود.

در تطبیق مدل داده‌بنیاد این مطالعه با مطالعات موجود، هم‌خوانی قابل توجهی بین یافته‌های پژوهش و ادبیات پیشین مشاهده می‌شود که بر اعتبار نتایج تأکید دارد. در بعد راهبردها، مطالعات متعددی در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای و دیجیتال، مانند آثار ابو (۱۹۹۶) و راماساد (۲۰۰۲)، بر اهمیت استفاده از رسانه‌ها برای تقویت سیاست خارجی و بهبود روابط بین‌الملل تأکید کرده‌اند، که با یافته‌های این پژوهش در تقویت دیپلماسی دیجیتال هم‌خوانی دارد.

با بهره‌گیری از رویکرد نظریه داده‌بنیاد (طرح نظام‌مند) و تحلیل ۲۳ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان روابط بین‌الملل، این پژوهش نقش فضای مجازی را به عنوان کاتالیزور تعاملات بین‌المللی و تقویت روابط بین‌الملل تبیین کرد. پدیده مرکزی استخراج‌شده، «فضای مجازی به عنوان بستری برای دیپلماسی شبکه‌محور» است که از طریق کدگذاری باز، محوری، و انتخابی شناسایی شد. شرایط علی شامل نیاز به ارتباطات سریع و توسعه فناوری‌های دیجیتال است که انگیزه دولت‌ها برای بهره‌گیری از فضای مجازی را تقویت می‌کند. شرایط زمینه‌ای، مانند زیرساخت‌های دیجیتال و قوانین بین‌المللی، بستری لازم برای اثربخشی این فضا را فراهم می‌کنند. شرایط مداخله‌گر، از جمله تهدیدات سایبری و نابرابری‌های دسترسی دیجیتال، مانع بهره‌برداری کامل از پتانسیل فضای مجازی می‌شوند. راهبردهای کلیدی شامل تقویت دیپلماسی دیجیتال برای تعاملات شفاف، مقابله با اخبار جعلی برای حفظ اعتماد، و توسعه همکاری‌های چندجانبه در حوزه‌های علمی و اقتصادی است. پیامدهای عملی این راهبردها، تقویت همکاری‌های جهانی، تسهیل حل مناقشات از طریق گفت‌وگوهای شبکه‌ای، و تسریع تجارت الکترونیک هستند. این یافته‌ها به هدف اول پژوهش (تقویت همکاری‌های جهانی) یاری می‌رساند، زیرا دیپلماسی دیجیتال و همکاری‌های چندجانبه تعاملات بین‌المللی را گسترش می‌دهند. همچنین، به هدف دوم پژوهش (واکاوی چالش‌های مدیریت مناسبات بین‌المللی) کمک می‌کند، چراکه تهدیدات سایبری و نابرابری‌های دیجیتال به عنوان موانع کلیدی شناسایی شدند. در نهایت، هدف سوم پژوهش (بررسی ظرفیت‌های جامعه شبکه‌ای برای حل مناقشات) با شناسایی گفت‌وگوهای شبکه‌ای به عنوان ابزاری برای کاهش تنش‌ها پشتیبانی می‌شود. این نتایج با پیشینه‌های موجود از جمله شورای روابط خارجی (۲۰۲۳) و فولن و میاور (۲۰۲۴) هم‌خوانی دارند و بر ضرورت سیاست‌گذاری منسجم برای مدیریت فضای مجازی در روابط بین‌الملل تأکید می‌کنند. در این مطالعه، با بهره‌گیری از رویکرد نظریه داده‌بنیاد، راهبردهایی کلیدی برای ارتقای روابط بین‌الملل در هم‌پوشانی میان فضای مجازی و ساختار جامعه شبکه‌ای شناسایی شده‌اند. این راهبردها شامل تقویت دیپلماسی

(۲۰۲۲) و یونسکو (۲۰۲۲) نیز بر آمادگی دولت‌ها برای دیپلماسی دیجیتال تأکید دارند، که در مدل پژوهش به عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای کلیدی شناسایی شده است.

پدیده مرکزی این مطالعه، یعنی نقش فضای مجازی در تعاملات بین‌المللی و تقویت روابط بین‌الملل، در پژوهش‌های سازمان ملل متحد (۲۰۲۲) و مایورر (۲۰۲۰) به عنوان یک ابزار تحول‌آفرین در روابط بین‌الملل برجسته شده است. این پژوهش‌ها فضای مجازی را نه تنها یک ابزار ارتباطی، بلکه یک نهاد سازمان‌دهنده می‌دانند که پتانسیل بازتعریف دیپلماسی و همکاری‌های جهانی را دارد. این دیدگاه با مقوله مرکزی پژوهش حاضر (فضای مجازی به عنوان کاتالیزور همکاری و مدیریت مناقشات جهانی) کاملاً هم‌خوان است.

در نهایت، در بخش مداخله‌گرها، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، چالش‌های قانونی و حقوقی، و تهدیدات سایبری در گزارش‌های یونسکو (۲۰۲۲)، شورای روابط خارجی (۲۰۲۳)، و کمیسیون اروپا (۲۰۲۲) به عنوان موانع اصلی استفاده از فضای مجازی شناسایی شده‌اند، که با یافته‌های این مطالعه هم‌راستا است. این موانع نشان‌دهنده نیاز فوری به سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی برای کاهش شکاف دیجیتال و مدیریت تهدیدات سایبری هستند تا پتانسیل فضای مجازی به‌طور کامل محقق شود.

این یافته‌ها نه تنها درک عمیق‌تری از نقش فضای مجازی در روابط بین‌الملل ارائه می‌دهند، بلکه با ارائه راهبردهای عملی برای تقویت دیپلماسی دیجیتال، مقابله با چالش‌های سایبری، و ارتقای همکاری‌های جهانی، به سیاست‌گذاران و دیپلمات‌ها ابزارهایی برای مواجهه با پیچیدگی‌های عصر دیجیتال ارائه می‌کنند. این پژوهش با تأکید بر پتانسیل تحول‌آفرین فضای مجازی و ضرورت مدیریت موانع آن، گامی مهم در جهت توسعه دیپلماسی مدرن و تقویت روابط بین‌الملل در جامعه شبکه‌ای جهانی برمی‌دارد. این مطالعه، به‌ویژه در زمینه‌های نظری، نقش فضای مجازی در تحول دیپلماسی سنتی و روابط بین‌الملل را روشن می‌کند. استفاده از فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزارهای جدید دیپلماسی، باعث شکل‌گیری مفاهیم نوین و فرایندهای جدید در این حوزه شده است. در ادامه پیشنهادهایی ارائه می‌شود

— دولت‌ها باید با سرمایه‌گذاری هدفمند در توسعه

همچنین، پژوهش‌های شورای روابط خارجی (۲۰۲۳) و فولن و میباور (۲۰۲۴) به‌طور خاص بر توسعه استراتژی‌های اطلاعاتی برای مقابله با اخبار جعلی تمرکز کرده‌اند، که این موضوع در مدل پژوهش به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی برجسته شده است. گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱) نیز بر توسعه همکاری‌های چندجانبه و ایجاد شفافیت در دیپلماسی جهانی تأکید دارد، که با راهبردهای شناسایی شده در این مطالعه هم‌راستا است.

در بخش شرایط علی، مطالعه فولن و میباور (۲۰۲۴) و گزارش‌های یونسکو (۲۰۲۲) و کمیسیون اروپا (۲۰۲۲) بر نقش ارتباطات سریع و مؤثر و توسعه فناوری‌های دیجیتال در تسهیل تعاملات بین‌المللی تأکید کرده‌اند، که با مقوله‌های «توسعه فناوری‌های دیجیتال» و «نیاز به ارتباطات سریع» در مدل پژوهش هم‌خوانی دارد. همچنین، گزارش سازمان ملل متحد (۲۰۲۲) و مایورر (۲۰۲۰) به همکاری‌ها و رقابت‌های دیجیتال به عنوان عوامل محرک در روابط بین‌الملل اشاره کرده‌اند، که در مدل داده‌بنیاد به عنوان شرایط علی گنجانده شده‌اند.

در بخش پیامدها، گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱) و پژوهش آقایی و همکاران (۱۴۰۲) بر تقویت روابط بین‌المللی، تسهیل حل بحران‌های جهانی، و افزایش شفافیت و نظارت در دیپلماسی تأکید دارند، که با پیامدهای شناسایی شده در این مطالعه، مانند همکاری‌های بین‌المللی و توسعه تجارت الکترونیک، هم‌راستا است. مطالعه فولن و میباور (۲۰۲۴) نیز فضای مجازی را ابزاری برای افزایش تعاملات و حل بحران‌ها معرفی کرده است، که این موضوع در مدل پژوهش به عنوان یکی از نتایج کلیدی برجسته شده است. همچنین، گزارش‌های بانک جهانی (۲۰۲۱) و کمیسیون اروپا (۲۰۲۲) بر نقش فضای مجازی در تسریع تجارت الکترونیک و ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید تأکید کرده‌اند، که با مقوله «توسعه تجارت الکترونیکی» در مدل پژوهش هم‌خوانی دارد.

در شرایط زمینه‌ای، سیاست‌های داخلی، نیاز به زیرساخت‌های دیجیتال، و قوانین ملی و بین‌المللی در گزارش اتحادیه بین‌المللی ارتباطات (۲۰۲۱) و پژوهش آقایی و همکاران (۱۴۰۲) مورد توجه قرار گرفته‌اند، که با یافته‌های این مطالعه در مورد نقش زیرساخت‌ها و قوانین دیجیتال هم‌راستا است. گزارش‌های سازمان ملل متحد

شرطی اساسی برای کارآمدی روابط خارجی در ساختار نوین روابط بین‌الملل به شمار می‌آید. — تنظیم، تدوین و تقویت قوانین بین‌المللی در زمینه دیپلماسی دیجیتال و امنیت سایبری، با هدف کاهش زمینه‌های سوءاستفاده و مقابله مؤثر با تهدیدات فضای مجازی، یک ضرورت فزاینده در عصر دیجیتال محسوب می‌شود. — در پیشبرد دیپلماسی دیجیتال، توجه به تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی میان کشورها، عامل کلیدی در تحقق ارتباطات مؤثر، اقناع بین‌المللی و کاهش چالش‌های ناشی از سوءبرداشت‌ها در فضای شبکه‌ای است. — تقویت همکاری‌های امنیت سایبری میان دولت‌ها، از طریق تبادل اطلاعات، هماهنگی سیاست‌ها و اجرای عملیات مشترک، می‌تواند به عنوان راهبردی کارآمد برای مقابله با تهدیدات سایبری در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرد.

زیرساخت‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین، توانمندی خود را در برابر تهدیدات سایبری ارتقا دهند و از ظرفیت‌های فضای مجازی در پیشبرد اهداف دیپلماسی دیجیتال بهره‌برداری مؤثر نمایند. — طراحی و اجرای استراتژی‌های جامع برای شناسایی و مقابله با اخبار جعلی و اطلاعات نادرست، از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ضروری است؛ این اقدامات نقش مهمی در پیشگیری از سوءتفاهم‌ها، تنش‌ها و بحران‌های دیپلماتیک در بستر جامعه شبکه‌ای ایفا می‌کنند. — همکاری‌های چندجانبه میان کشورها باید به منظور توسعه دیپلماسی دیجیتال، هم‌افزایی در مقابله با تهدیدات سایبری، و ایجاد سازوکارهای مشترک در مدیریت بحران‌های ناشی از فضای مجازی گسترش یابد. — آموزش تخصصی دیپلمات‌ها در حوزه بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و مهارت‌های ارتباطی در فضای مجازی،

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|-----------------------|-----------------------------------|----------------------------------|
| 1. Dunn Caveltz | 14. Information Society | 27. Council on Foreign Relations |
| 2. Gartzke & Lindsay, | 15. Network Society | 28. UNESCO |
| 3. Brantley | 16. Bell | 29. United Nations |
| 4. Fischerkeller | 17. Casttels | 30. European Commission |
| 5. Foulon & Meibauer | 18. Time-Space Compression Theory | 31. World Bank |
| 6. Kello | 19. David Harvey | 32. ITU |
| 7. Kreps & Schneider | 20. Ebo | 33. Maurer |
| 8. Smeets | 21. Gilboa | 34. Hampton |
| 9. Maschmeyer | 22. Prasad | 35. Kaplan & Haenlein |
| 10. Libicki | 23. Taylor | 36. Creswell |
| 11. Lindsay | 24. Zhang | 37. Walker & Myrick |
| 12. Nye | 25. alfiyah | |
| 13. Kello & Arquilla | 26. Foulon & Meibauer | |

فهرست منابع

- آقایی، سیدداوود؛ صادقی، سیدسعید؛ هادی، داریوش (۱۳۹۱)، واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (اطلاع‌رسانی، سازماندهی و گسترش سریع تحولات)، روابط خارجی، ۴ (۲، پیاپی ۱۴)، ۷-۳۳.
- تومی، ایلکا (۲۰۰۴)، جامعه دانایی و پرسش‌های پژوهشی آینده، ترجمه اسماعیل یزدان پور، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات کشور.
- حاجی احمدی، مهدی، ملکیان، نازنین (۱۴۰۳)، واکاوی نقش دیپلماسی رسانه‌ای در قدرت داخلی و روابط بین‌المللی کشورهای در حال توسعه، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۸ (۳)، ۱۲۷-۱۶۶.
- روحانی، ابوالفضل؛ روحانی، مهدی (۱۴۰۲)، نقش فضای مجازی در حکمرانی ملی ج.ا.ایران، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۳ (۵۳)، ۸۴-۶۱.
- ظریف، محمدجواد (۱۳۸۷)، دیپلماسی چندجانبه، تهران: انتشارات دانشکده روابط بین‌الملل.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۱، ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن جاوشیان، ویراسته علی پایا، چاپ پنجم، تهران: نشر طرح نو.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۲، قدرت هویت)، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان؛ ویراسته علی پایا، چاپ پنجم، تهران: نشر طرح نو.
گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶)، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: نشر دیدار.
مهربانی‌فر، حسین (۱۴۰۳)، واکاوی نسبت رسانه‌های محلی و حکمرانی مردمی در سیاست‌های رسانه‌ای فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۲ (۷)، ۱۳۵-۱۶۱.

- Alfiyah, Andi besse, (2024). Satellite Cybersecurity: Integration of International Law and Geopolitical Strategy (August 05, 2024). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4918410> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4918410>
- Babchuk, W. A. (1997). Glaser or Strauss? Grounded theory and adult education. In Proceedings of the 15th Annual Midwest Research-to-Practice Conference in Adult, Continuing, and Community Education (Vol. 12, No. 2, pp. 1-6).
- Bell, D. (1980). The social framework of the information society. The microelectronics revolution, Basil Blackwell, Oxford.
- Birks, M., & Mills, J. (2011). Grounded theory: A practical guide. London: Sage.
- Brantley, A. F. (2018). The cyber deterrence problem. 10th International Conference on Cyber Conflict (CyCon), Tallinn, Estonia.
- Castells, M. (2010). The rise of the network society: The information age: Economy, society, and culture. Wiley-Blackwell. <https://doi.org/10.1002/9780470670351>
- Castells, Manuel, (1997), The Informational City: Information Technology, Economic Restructuring and the Urban-Regional process. Oxford: Blacwell.
- Chen, Z., & Chen, Y. (2024). Computing grounded theory: a quantitative method to develop theories. The Journal of Chinese Sociology, 11 (1), 17.
- Choucri, N. (2013). Co-evolution of cyberspace and international relations: New challenges for the social sciences.
- Council on Foreign Relations CFR]. (2023). Cybersecurity and global stability. CFR Independent Task Force Report No. 83. Retrieved from <https://www.cfr.org/>
- Creswell, J. W. (2015). Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. pearson.
- Dunn Cavelty, M. (2020). Book review: International relations in the cyber age: The co-evolution dilemma. Perspectives on Politics, 18 (2), 692-693.
- Ebo, E. (1996), "Media Diplomacy and Foreign Policy: Toward a Theoretical Frameworks", In: A. Malek (ed.), News Media and Foreign Relations, New York, Routledge.
- European Commission. (2022). A European strategy for data. European Commission. Retrieved from <https://ec.europa.eu>
- Fischerkeller, M. P., Goldman, E. O., & Harknett, R. J. (2022). Cyber persistence theory: Redefining national security in cyberspace. Oxford University Press.
- Foulon, M., & Meibauer, G. (2024). How cyberspace affects international relations: The promise of structural modifiers. Contemporary Security Policy, 45 (3), 426-458.
- Gartzke, E., & Lindsay, J. R. (2024). Elements of deterrence. Oxford University Press.
- Gilboa, E. (2002), "Global Communication and Foreign Policy", Journal of Communication.
- Glaser, B., & Strauss, A. (2017). Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research. Routledge.
- Hampton, K. N., Goulet, L. S., Rainie, L., & Purcell, K. (2011). Social networking sites and our lives. Pew Research Center. Retrieved from <https://www.pewresearch.org>
- Harvey, D. (1989). The condition of postmodernity: An enquiry into the origins of cultural change. Blackwell Publishers
- International Telecommunication Union ITU]. (2021). Measuring digital development: Facts and figures 2021. ITU Publications. Retrieved from <https://www.itu.int/en/ITU-D/Statistics>
- Kaplan, A. M., & Haenlein, M. (2010). Users of the world, unite! The challenges and opportunities of Social Media. Business Horizons, 53 (1), 59-68. 10.1016/j.bushor.2009.09.0
- Kello, L. (2017). The virtual weapon and international order. Yale University Press.
- Kello, L. (2022). Striking back: The end of peace in cyberspace - And how to restore it. Yale University Press.
- Kello, L., & Arquilla, J. (2023). Cyber threats and strategic challenges in global politics. Political Science Quarterly, 138 (1), 42-60. <https://doi.org/10.1002/j.1538-165X.2023.tb01234.x>
- Kreps, S., & Schneider, J. (2019). Escalation firebreaks in the cyber, conventional, and nuclear domains: Moving beyond effects-based logics. Journal of Cybersecurity, 5 (1), 1-11. doi:10.1093/cybsec/tyz007
- Libicki, M. C. (2007). Conquest in cyberspace: National security and information warfare. Cambridge University Press.
- Lindsay, J. R. (2020). Information technology and military power. Cornell University Press.

- Maschmeyer, L. (2023). Subversion, cyber operations, and reverse structural power in world politics. *European Journal of International Relations*, 29 (1), 79–103. doi:10.1177/13540661221117051
- Maurer, T. (2020). *Cyberspace and International Relations: Rising Powers, Proxies, and Norms* (Doctoral dissertation).
- Nye, J. (2023). Digital power and diplomacy in the 21st century. *Journal of International Affairs*, 76 (2), 65–82. <https://doi.org/10.1007/s42481-023-00250-z>
- OECD. (2020). *Artificial intelligence in society*. OECD Publishing. Retrieved from <https://www.oecd.org/going-digital/ai/principles/>
- Prasad, Rama (2002), "Communication and Foreign Policy", *Journal of Communication*, Dec.
- Sheafer, Tamir and Itay Gabay. (2009), *The Media and Public Diplomacy; A Strategic Contest over international Agenda Building and Frame Building*, *Political Communication*, Volume 26, Issue 4.
- Smeets, M. (2022). *No shortcuts: Why states struggle to develop a military cyber-force*. Oxford University Press.
- Taylor, P. M. (1997), *Global Communicatio, International Affairs and the Media Since 1945*, New York, Routledge.
- UNESCO. (2022). *Global education monitoring report 2022: Non-state actors in education*. UNESCO. Retrieved from <https://en.unesco.org/gem-report/report/2022/non-state-actors>
- United Nations UN]. (2022). *Secretary-General's roadmap for digital cooperation*. United Nations. Retrieved from <https://www.un.org/en/content/digital-cooperation-roadmap>
- UNODC (United Nations Office on Drugs and Crime). (2020). *Global report on cybercrime and digital cooperation*. UNODC Publications. Retrieved from <https://www.unodc.org>
- UNODC. (2020). *Global Report on Cybercrime*. United Nations Office on Drugs and Crime.
- Walker, D., & Myrick, F. (2006). Grounded theory: An exploration of process and procedure. *Qualitative health research*, 16 (4), 547-559.
- Whiteley, P., & Winyard, S. (2018). *Pressure for the poor: the poverty lobby and policy making*. Routledge.
- World Bank. (2021). *Digital acceleration during the pandemic: Lessons from firm surveys*. World Bank Blogs. Retrieved from <https://blogs.worldbank.org/trade/digital-acceleration-during-pandemic-lessons-firm-surveys>
- Zhang, Li (2010), "The Rise of China: Media Perception and Implications for International Politics", *Journal of Contemporary China*.
- Aghaei, S. D., Sadeghi, S. S., & Hadi, D. (2012). Analyzing the role of the Internet and new social media in the developments of the MENA region (information dissemination, organization, and rapid expansion of movements). *Foreign Relations Quarterly*, 4 (2), 7–33. Text in Persian]
- Tuomi, I. (2004). *The knowledge society and future research questions* (E. Yazdanpour, Trans.). Tehran: Center for Communication Studies. Text in Persian]
- Hajjahmadi, M., & Malkian, N. (2024). Analyzing the role of media diplomacy in domestic power and international relations of developing countries. *Foreign Policy Quarterly*, 38 (3), 127–166. Text in Persian]
- Rouhani, A., & Rouhani, M. (2023). The role of cyberspace in national governance of the Islamic Republic of Iran. *Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge*, 13 (53), 61–84. Text in Persian]
- Zarif, M. J. (2008). *Multilateral diplomacy*. Tehran: School of International Relations Publications. Text in Persian]
- Castells, M. (2006a). *The Information Age: Economy, Society, and Culture. Vol. 1: The Rise of the Network Society* (A. Aligholian, A. Khakbaz, & H. Chavoshian, Trans.; A. Paya, Ed., 5th ed.). Tehran: Tarh-e No. Text in Persian]
- Castells, M. (2006b). *The Information Age: Economy, Society, and Culture. Vol. 2: The Power of Identity* (A. Aligholian, A. Khakbaz, & H. Chavoshian, Trans.; A. Paya, Ed., 5th ed.). Tehran: Tarh-e No. Text in Persian]
- Golmohammadi, A. (2007). *Globalization, Culture, Identity*. Tehran: Ney Publishing. Text in Persian]
- Mohseni, M. (2001). *Sociology of the Information Society*. Tehran: Didar Publishing. Text in Persian]
- Mehrbanihar, H. (2024). Analyzing the relationship between local media and people-centered governance in the macro media policies of the Islamic Republic of Iran. *Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution*, 2 (7), 135–161. Text in Persian]